

صلی الله علیه وسلم ایمنی بن فایده آمدند بهرم چون اول در پیش تمام بود
در این خاص نکاح نهائی از غیب ان یادید المکلکه که سانه هوشیار و از ان
دلیسند البدر یک ربک صد امین استماع انتم و بر چادر بنگون
درین اوج هر چه در نور با پیش اوج اولش بود که اقطاب
حجازیه و کل اقصای بلاد استبدون بعضی تصور بر نفع دیده دور سینه
نایان اولش ای کتب ان و فیض سعادت آمده حضرتی در یک اول
عزیزان نقاب بطایفه چشمتان سر بر دیده حجاب و فرسخ او کوین و کله
تروی زمینده اوج و اندر این سدره فرسایان اولون بری
فایده کسار خاوره بری و باره باضریه بر کسی دخی نام منظر کعبه
نصب اندکلی حینه آفتاب جهان فرود ز بخت صلی الله علیه وسلم گویند
و فی کمال جبین بسین عالمی بن مانند نوری را از زمین صواب بعبده است
دعا فالدر و دروغ شایدهم اولی محمد استمال المصطفی علیها
اصناء النضاه من نور لسطع عادن سر باران عشق محی صله الله علیه
وسلم بر جمله تعظیمی بلامت نه قیام ایکنه آما سر او را خلائق سلطان
الانبیا بود که هر حاله که نام طرازی کو شتر و سامه اوله آفتاب و

وادی کونان از حق
بازجا استلال

خاک بودیت اولان خسته حال آنت بکعبه یا نه فایده است که حسان را
عاشق صادق حسان مدینه کوی جناب نبوت کسری ابو زکریا حسی ابن
یوسف مصری قصیده باینه سنده شهر وان فیض الاثر فیکر عذرا
قباباصغوا اوجیا علی الکتب دیوبت مخلصان امت تعلیم و ادب
المنشد شیخ الاسلام علیه لو تابل سبکی طبقات کبری ده والد لری
شیخ الاسلام حنیة الامام فقی الدین ابی الحسن کبکی ترجمه سنده بر این
سلک خیر ایندکلی جوهر مدبر بودر که بر کون ختم در مثل لوده
نورده درین عجب و زرهات دقتاید اولون کوی بر مشخوین
آرام انداز قصیده صحرای انشا دنه سر غا زا دیوبت توبت کرم زبان
ز دویف شوق فرا اولد فده اول کومسار علم و وفای عینی و البدر
شمس شب خور و ز کوی ایامه فالنوب اطرافه منتب ان نوا علم اولان
سادات خضاه و اشرف علمای پروانه و ش دست افشان قصه و پای
کوبان ساعده کبر و ب بر زم کما کرم عشق و محبت ظهور اندیکه و صغده بیست
لال اولد اول حضرت نه ندی انعام بر کوار رسید با بر کوشن کوار
اوله تجر انرا خدمت قیام بر شکر ابیدی نه دره رجعت الی ما کنایه کتب

تکلیب سنی